



صفی علیشاه

حامد ناجی اصفهانی



در پیشگاه عارفان حقیقی، انس با قرآن موجب وصول به کمال و تقرّب به ولایت کلیه الهی است، که در پی آن با عبور از اطوار ولایت، عبور از بطون قرآنی فراهم می‌آید؛ پس وصول به حقیقت فرقان (مصحف موجود) جز با تمسک به حقیقت صاحب ولایت میسر نیست.

بر همین اساس، از دیرباز عارفان الهی به تعمق و تدبّر در کتاب الهی همت گمارده‌اند و آثاری را در فهم معانی فرقانی عرضه کرده‌اند، همچو: لطائف الاشارات، کشف الاسرار، عرائس البیان، روح البیان، بحرالمودّ و... در این میان چون عارفان شیعی به حقیقت ولایت متقرّب‌ترند آثار بس بدیع و ژرف‌تری را عرضه کرده‌اند، همچو: المحيط الاعظم سید حیدر آملی، تفسیر القرآن صدرالدین محمد شیرازی، تفسیر صفی، بیان السعادة سلطانعلی گنابادی و... در این دسته نیز پاره‌ای از تفاسیر منظوم عروضی به چشم می‌خورد، که گویا مبدع این گونه تفسیر منظوم عروضی، میرزا محمد علی طبسی اصفهانی (م ۱۲۱۲ هـ. ق) مشهور به نور علی شاه است، وی برای نخستین بار به تفسیر منظوم سوره حمد و آغاز سوره بقره همت گمارد.^۱

و در پی او شاگرد برجسته وی میرزا محمد تقی کرمانی (م ۱۲۱۵ هـ. ق) مشهور به مظفر علیشاه نیز به تفسیر سوره حمد با نام بحر الاسرار پرداخت و معانی بلندی را در طی تفسیر خود بیان داشت.^۲

همچنان که گفته شد این آثار منظوم فقط در بردارنده تفسیر بخشی از مصحف شریف است. در طول این آثار مهم‌ترین تفسیر منظوم موجود، تفسیر صفی، سروده عارف الهی میرزا حسن اصفهانی مشهور به صفی علیشاه است، این تفسیر از سویی اولین ترجمه کامل منظوم عروضی^۳ قرآن و تنها تفسیر منظوم کامل می‌باشد؛ لذا راقم این سطور با توجه به تأویلات ژرف موجود در این اثر و مضامین بلند عرفانی تفسیری آن، بر آن شد که ویراستی از آن را در اختیار اهل

معرفت و ذوق قرار دهد. پیش از ورود به چگونگی این پژوهش در ابتدا گذری به زندگی این عارف الهی خواهیم داشت و سپس گذری به کیفیت این تفسیر.

زندگی نامه خود نوشت^۴

خردمندی که از سلسله‌ای بزرگ و از تربیت یافتگان این عصر و مؤسس این تفسیر منظومه مسمی به تفسیر صفی است از این بی بضاعت میرزا حسن بن محمد باقر اصفهانی ملقب به صفی علی النعمة اللّهی خواهش نمود که شرح حالی از خود عرض کنم، اگر چه چندان حاصلی نیست از تفصیلش که موجب حیرت و عبرت و ارشاد است متعذرم، ولی نظر به امثال امر معزی الیه - زاد الله شرفاً و توفيقاً - مجملی می نگارم که تذکره باشد.

مسقط الرأس فقیر اصفهان است، در سیم شعبان سنه ۱۲۵۱ تولد یافتم. پدرم تاجر بود، از اصفهان به یزد رفت و در آنجا مسکن گزید، فقیر در آن وقت خرد سال بودم، مدت بیست سال در یزد توقف نمودم و بعد از طرف هندوستان به حجاز رفتم، اغلب از مشایخ ایران و هند و روم را ملاقات کردم، از بعضی قلیل مستفیض شدم، و قواعد فقر و سلوک را که اخذش منحصر به خدمت و قبول ارادتست به اتصال سلسله که شرح آن هم مبسوط است و در این مختصر ننگجد بدست آوردم.

در هندوستان به تألیف زبده الأسرار نظماً - که در اسرار شهادت و تطبیق با سلوک الی الله است - موفق شدم، به عزم ارض اقدس رضوی از راه عتبات عالیات به شیراز و یزد مراجعت کردم و به طهران آمدم، چون سکنای دارالخلافة از برای هر کس مخصوص امثال ما جماعت از سایر بلاد امن تر است سیمما در این زمان که سلطان سلاطین دوران - خلد الله ملکه و دولت - که پادشاه ایران است بحمدلله و المنة به جمیع اخلاق و اوصاف پادشاهی از آفریدگار عالم مؤید، به خصوص در عدل و اصناف و عفو و ستر، و شناختن عالی و دانی را به جای خود، که اعظم اوصاف سلطنت است، همیشه عزم مبارکشان بر آبادی ملک و آسایش خلق و تربیت نفوس و امنیت بلاد ثابت است. اغلب مردم صاحب علم و هنر شدند و آداب انسانیت یافتند، فقیر هم در همین ملک متوقف شدم.

و بیش از بیست سال است که در دارالخلافة ساکن و آسوده‌ام و با کسی در کلام و مقامی طرف نیستم که موجب زحمت شود، و اگر هم از مردمان بیکار یا با کار ناملایمی دیدم و سخنی به غرض شنیدم متحمل شدم. در معاش هم بحمدلله این قدرها قناعت دارم که کار به خرابی و خسارت نرسد، و آشنا و بیگانه را به زحمت خود نیندازم. بیشتر اوقاتم مصروف به تحریر است. رساله عرفان الحق و هم بحر الحقایق و میزان المعرفة را در این چند سال نوشتم. قریب دو

سال است مشغول نظم تفسیر قرآنم که هم اشتغال است و هم طاعت، و هم تشویق مردم فارسی زبان به خواندن و فهمیدن کلام الله مجید، شاید اجر فقیر عبدالله ضایع نگردد و مردم را سالها و قرن‌ها سبب هدایت شود. توفیق نیت خالص و رفع اغراض طبیعت از خدای می‌طلبم. در ضمن تفسیر، هر جا به مناسبت هر چه لازم بود نگاشته‌ام، در این فهرست همین قدر کافیست، والسلام علی من اتبع الهدی.

روش تصحیح

پیش از ورود به بیان چگونگی تصحیح، تذکر دو نکته لازم خواهد بود:

الف) تفسیر صفی برای اولین بار در سال ۱۳۰۶ هـ. ق، پس از نظم تفسیر در زمان حیات جناب صفی به چاپ سنگی رسید؛ این چاپ پس از تصحیح اغلاط در سال ۱۳۲۸ هـ. ش مطابق ۱۳۶۹ هـ. ق در مطبعه ارتش به ضمیمه فهرستی در آخر آن گراور گردید و بالاخره توسط مطبعه خیام، چاپ سربی شد که به طور مکرر تجدید چاپ گردید، تا این که در این اوان نیز به همت کتابخانه منوچهری با ویراستی نو دوباره حروفچینی شد.

متأسفانه در مقایسه چاپ سربی با چاپ سنگی متوجه اغلاط، افتادگی‌ها و بدخوانی‌های بسیاری خواهیم شد که در پاره‌ای از موارد البته با اصلاح‌های جزئی در وزن اشعار و واژه‌ها روبرو هستیم. اما در چاپ اخیر آن افزون بر کاستی‌های پیشین به جهت عدم دقت در ویرایش و نمونه‌خوانی، غلط‌های متعددی بدان راه یافت که در مجموع نسخه‌ای غیر مصحح را در اختیار خوانندگان خود قرار داده است.

ب): تفسیر صفی بسان سایر تفاسیر، جهت تفسیر آیات قرآن کریم، با گزینش مجموعه‌ای از آیه‌های مربوط، با تقطیع سوره، به تفسیر آیه‌های همگن می‌پردازد، و اما در واقع همچو تمام تفاسیر سده‌های گذشته فاقد اشاره به شماره آیه است، این مطلب در تفاسیر منشور با اشکال کم‌تری روبرو است، چه مفسر با بیان نص عربی قرآن کریم به تفسیر بند بند سوره‌ها می‌پردازد، ولی در تفسیر صفی که جز در موارد انگشت شماری به نص عربی قرآن کریم اشاره شد، یافتن مفاد ترجمه‌ای و تفسیری آن مشکل خواهد بود.

با توجه به دو امر فوق جهت ارائه تفسیر صفی، اقدامات زیر صورت گرفت:

۱. با بهره از چاپ سنگی و حروفی، تفسیر حروفچینی شد و با توجه به کهن بودن و اصالت نسخه چاپ سنگی، متن کتاب گزینش گردید و موارد اختلاف مغیر معنا با رمز «خ» در پاورقی‌ها درج گردید، و از بیان اشتباهات چاپ‌های حروفی به جهت عدم فائده خودداری شد.

۲. به جای متن قرآن کریم نگاشته شده در چاپ‌های گوناگون که با اغلاط گوناگون تجویدی و رسم‌الخطی همراه بود، متن قرآن با رسم الخط عثمان طه - که مطابق با قرائت‌های گوناگون قرآنی است - درج گردید.

۳. با توجه به مضمون تفسیر و آیه‌های قرآن کریم، شماره آیات قرآن براساس شماره آیات قرآن فوق، بر سربایات مربوط به آن قرار گرفت؛ چه آن که شماره آیه‌ها و کیفیت تقطیع آیه‌ها با قرآن مندرج در چاپ سنگی و حروفی کاملاً مطابق نیست.

درین راستا البته باید توجه داشت که به جهت منظوم بودن ترجمه و تفسیر، گاه در این شماره گذاری دچار مشکل بوده‌ایم، چه این که در پاره‌ای از موارد در یک بیت، مصرع اول دنباله آیه قبل بوده و مصرع دوم آغاز آیه جدید، که در این صورت ملاک شماره گذاری مصرع دوم بوده است؛ و گاه یک بیت ترجمه دو آیه بوده است، که در این صورت شماره هر دو آیه بر سر بیت درج شده، گاه نیز علاوه بر حالت دوم دنباله آیه از مصرع دوم به بیت بعدی رفته که باز همان روش شماره گذاری اعمال شده است.

البته لازم به ذکر است که در بسیاری از موارد، ترجمه‌های منظوم صنفی در مصرع دوم و یا در طی یک بیت، در بردارنده مفاهیم تفسیری است، ولی با این وجود، با عنایت به ترجمه‌ای بودن بیت، شماره آیه در ابتدای آن درج گردیده.

در همین جا بر خود لازم می‌دانم از دوست گرامی و دانشمند، آقای رحیم قاسمی که درین قسمت کمک فراوانی نمودند تشکر نمایم.

۴. در متن تفسیر صنفی به ندرت عناوین موضوعی برای مطالب اتخاذ گردیده و اکثر عناوین با عبارت «جذبه» آمده است، این جذبه‌ها که عمده در بیان عشق و اطوار آن است، گویای انقلاب روحی مفسر در حال تفسیر بوده که با عنوان جذبه بیان شده است؛ البته در موارد معدودی نیز به عناوین داستان‌ها و یا مطالب آیه نیز اشاره شده.

افزون بر عناوینی که در متن تفسیر دیده می‌شود، عناوینی در حواشی چاپ سنگی به چشم می‌خورد که گویا اضافات کاتب بر متن، جهت ایجاد فهرست است؛ همین عناوین فرعی بعدها در چاپ ارتش به صورت فهرست مطالب در آخر کتاب ضمیمه شده است.

متأسفانه برخی عناوین حاشیه‌ای در چاپ‌های حروفی به داخل متن انتقال یافته و پاره‌ای نیز حذف شده و در چاپ مطبوعه خیام برخی در همان حاشیه باقی مانده است.

از این رو با توجه به چاپ سنگی، عناوین اصلی موجود در متن تفسیر صنفی، به طور ساده و عناوین فرعی موجود در حاشیه چاپ سنگی، با دو کمان - () - در اطراف آن، در متن جای داده

شد، و نظر به نیاز پاره‌ای از مباحث به ایجاد عنوان جدید، عناوین جدید در متن، میان دو گروه - [] - قرار گرفت. که این عناوین به واسطه قَلت وجود آن در چاپ‌های قبل در نیمه دوم تفسیر، با عنایت بیشتری افزون گردید.

درین مقام این نکته قابل ذکر است که ایجاد عناوین فرعی موجود صرفاً به جهت راهنمایی خوانندگان است و گویای استقصای کامل مطالب موجود در سوره‌ها نیست چه بیان مطالب مندرج در یک سوره خود مجال کتاب مستقلی را می‌طلبد. لذا چه بسا کلیه مطالب زیر یک عنوان تا عنوان بعد دقیقاً به عنوان اول مربوط نباشد.

۵. بر این اساس که متن قرآن مندرج در تفسیر، در یک طرف قرار داده شد، و تفسیر در صفحه دیگر، بناچار جهت حفظ تقطیع سوره از منظر مرحوم صفی - که خود گویای بحث «تناسق آیات» (یکی از مباحث مهم علوم قرآن) است - از علامت سه مربع مابین آیات استفاده کردیم، بدین معنی که هر جا خوانندگان با سه مربع در وسط سطر روبرو شدند، باید بدانند که تا این قسمت، آیه‌ها بیانگر مطلبی بوده‌اند که به طور مجموعه‌ای مورد تفسیر قرار گرفته‌اند.

۶. چنان که گذشت تفسیر صفی حاوی اشارات گوناگونی به شأن نزول آیات، آیات الولاية، نقل قول مفسران، و بیان مضمون احادیث است، از این رو کوشیدیم تا تمامی این منابع را با ارجاعی در خور مشخص سازیم.^۵

با مراجعه‌های مکرر به کتب تفسیر درین مرحله، دریافتیم که از مراجع عمده صفی در ارائه این موارد، تفسیر منهج الصادقین، تفسیر مجمع البیان یا التبیان بوده و با واسطه یا بدون واسطه تفسیر منهج الصادقین کاشانی از واژه‌های مواهب علیه واعظ کاشفی استفاده برده است. افزون بر این مصادر، از کتاب اسباب النزول واحدی در ارجاع شأن نزول آیات بهره بردیم. بدیهی است که در این ارجاعات، مرجع ذکر شده نخستین، گویای تطابق کلام مفسر با این مرجع است، و عدم ذکر اسباب النزول گویای عدم وجود چنین نقلی در کتاب مذکور است.

۷. مفسر علامه به جهت عدم تکرار تفسیر، در موارد متعددی به گفتار خود در مواضع قبل اشاره نموده است، از این رو برای اشاره به مرجع نخستین گفتار مؤلف، با بهره از رمز «ر. ک» سوره و شماره آیه‌ای که مطلب مؤلف در آن ذکر شده است، در پاورقی بیان گردید.

۸. نسخه چاپ سنگی تفسیر صفی، و بالتبع چاپ‌های حروفی آن، در بردارنده یک ترجمه تحت اللفظی قرآن کریم در بین سطور قرآنی است، با تحقیقی که نگارنده انجام داد، متوجه شد که این ترجمه کاملاً منطبق بر ترجمه مشهور مصباح زاده است، با این تأمل که نسخه چاپی سنگی تفسیر به قطع پیش از ترجمه مصباح زاده چاپ شده است، بنابراین ترجمه مشهور به ترجمه

مصباح‌زاده نباید از آن وی باشد، و بنا به حسن ظن باید این ترجمه به خط مرحوم مصباح‌زاده باشد که بعدها به اشتباه به نام وی رقم خورده است.

و اما این ترجمه در برخی از منابع به قلم خود صفی دانسته شده که هیچ مأخذ معتبری بر آن نیافتیم. لذا با توجه به آن که این ترجمه تحت اللفظی بوده و امروزه مورد توجه خوانندگان پارسی‌زبان نیست، بنا به توصیه ناشر محترم به جای این ترجمه، از ترجمه مرحوم استاد الهی قمشه‌ای بهره گرفتیم که جهت ارائه آن از ویراست^۶ قرآن پژوه دانشمند آقای حسین استاد ولی بهره جستیم.

۹. جهت ارائه تفسیر حاضر با عنایت به فوائد زبان‌شناختی رسم الخط نسخه چاپ سنگی، سعی بر آن شد که رسم الخطی هموار جهت خوانندگان فراهم آید. ازین رو از هر گونه پیشنهادی جهت بهبود عرضه اثر حاضر متشکر و ممنون خواهیم بود.^۷

۱۰. جهت سهولت در استفاده از قرآن کریم و تفسیر صفی، فهرست‌های گوناگون به ضمیمه تفسیر فراهم آمد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مرکز چاپ و انتشارات

۱. گویا اجل به وی مهلت تمام آن را نداده است.
۲. در این مقام کتاب اسرار العشق در تفسیر سوره یوسف، سروده شیخ اسدالله ایزد گشسب نیز بایسته ذکر است.
۳. ترجمه‌های ناقص منظوم غیر عروضی کهن نیز از قرون اولیه بر قرآن موجود است.
۴. این شرح حال در دیباجه تفسیر چاپ سنگی مندرج است.
۵. ارجاعات هم معنی و هم لفظ در این بخش با رمز «بنگرید»، و ارجاعات هم مضمون با رمز «بسنجید» مشخص شده است و ارجاعات در دو کمان به معنی نقل از مصدر قبل آن می‌باشد.
۶. لازم به تذکر است که ترجمه مرحوم استاد قمشه‌ای اگر چه یکی از مقبول‌ترین ترجمه‌های قرآن می‌باشد، ولی متأسفانه دارای صدها اشتباه ترجمه‌ای می‌باشد، از این رو نشر آن به صورت اولیه، به هیچ وجه مناسب نخواهد بود. لذا در ارائه ترجمه حاضر، ازین ویراست تصحیح شده، استفاده گردید.
۷. فرهیختگان فرزانه جهت ارائه هر گونه پیشنهادی با آدرس ناشر محترم یا پست الکترونیکی زیر تماس حاصل نمایند.

نمائید. hamed_naji@yahoo.com